

## بررسی فرآیند مشارکت استفاده‌کنندگان (مردم) در روند طراحی مسکن با رویکرد معماری جمعی<sup>۱</sup>

حمیدرضا فرشچی\*<sup>۱</sup>، حامد ترکی باغبادرانی<sup>۲</sup>

۱- استادیار گروه معماری دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه کاشان

Farshchi46@kashanu.ac.ir

### چکیده

مشارکت استفاده‌کنندگان در طراحی مسکن، یعنی طراحی مبتنی بر خواسته‌ها و نیازهای استفاده‌کنندگان و دخالت آنها در روند طراحی. مطالعات فراوانی در زمینه ضرورت و اهمیت این مشارکت صورت گرفته است، اما کمتر پژوهشی به ارائه راهکارهایی برای مشارکت استفاده‌کنندگان در روند طراحی و رابطه بین طراح (معمار) و استفاده‌کننده (مردم) در این فرآیند پرداخته است. هدف از این پژوهش علاوه بر تبلور جنبه‌های حیات جمعی انسانها در طراحی مسکن و تاثیر آن بر ارتقاء کیفیت مسکن و رضایتمندی ساکنین، ارائه راهکارهایی جهت مشارکت بهینه استفاده‌کنندگان و ارتباط بین طراح و استفاده‌کننده در این فرآیند است. روش تحقیق در پژوهش حاضر به شیوه مطالعات کتابخانه‌ای و پیمایشی است به صورتی که ۵۶٫۵ درصد از مشارکت‌کنندگان در پرسشنامه مطرح شده، خیلی زیاد، ۳۲ درصد زیاد، ۱۰ درصد دیگر متوسط و تنها ۱٫۵ درصد از آنها تمایل به مشارکت در فرآیند طراحی و ساخت نداشته‌اند و ضریب همبستگی ۰٫۷۶ حاکی از همبستگی مستقیم بین دو متغیر میزان رضایت از محل سکونت و علاقه‌مندی به مشارکت در طراحی و ساخت آن داشته است. نتایج این بررسی‌ها حاکی از آن است که اگر سکونتگاه مبتنی بر خواسته‌ها و نیازهای استفاده‌کنندگان از آن طراحی و اجرا گردد، می‌تواند باعث رضایتمندی ساکنین و ارتقاء کیفیت آن شود. همچنین ارتباط بین طراح و استفاده‌کننده در این فرآیند را حالت معمار فعال-کارفرما فعال که معرف همان معماری جمعی است، بیان میکند. و در انتها استفاده یکسان از همه روشهای مشارکت برای همه جامعه آماری نمیتواند مفید واقع شود و مشخصا استفاده ابزارها و روشهای متفاوت در افراد مختلف میتواند نتایج بهتر و قابل قبول داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: معماری جمعی، مشارکت، مسکن، استفاده‌کننده (مردم)، طراح (معمار)

### ۱- مقدمه

مسکن از ریشه سکنه و به معنای مکان آرامش یافتن است. یعنی مکانی که انسان در آن به آرامش و تسکین می‌رسد؛ بدیهی است یکی از مهمترین عواملی که به آرامش و تسکین انسان در سکونتگاه خود می‌انجامد، آن است که مراحل مختلف احداث یک مسکن متناسب با خواسته‌ها و تمایلات آن‌ها از طراحی تا اجرا به انجام رسیده باشد. به بیان دیگر انسانی که در سکونت‌گاه خود در پی آرامش است باید از تمامی ویژگی‌های یک مسکن، از مکان استقرار و جانمایی تا طراحی و اجرا رضایت

۱- این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «طراحی مسکن در شهر باغبادران مبتنی بر روش‌های معماری جمعی» نگارش حامد ترکی باغبادرانی در دانشگاه کاشان می‌باشد.

کامل داشته باشد؛ در غیر این صورت هرچند در این سکونت‌گاه به سر ببرد ولی به علت عدم تعلق خاطر به آن ناشی از نادیده گرفتن تمایلاتش حظ وافری که از آن باید ببرد را نبرده و در آن به معنای واقعی به آرامش نمی‌رسد.

برای آن که بتوان این خواست‌ها را در مراحل مختلف احداث یک بنا لحاظ نمود باید بیش و پیش از هر چیز مردم آن سامان را شناخت و برای شناخت بهتر آن‌ها، زندگی همراه با آن‌ها در صورت امکان و گام به گام در تعاملات اجتماعی آن‌ها و تعمیم دادن آن بهترین راهکار می‌باشد، هرچند اگر انجام آن مقدور نباشد، می‌توان با به کارگیری ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات همانند مصاحبه، مشاهده و پرسشنامه این نقصان را جبران نمود و به شناخت نسبی از ویژگی‌های جسمی، روانی، فرهنگی و اقتصادی آن‌ها دست یافت آن‌گاه بر مبنای همین شناخت نسبت به طراحی و اجرای سکونت‌گاه متناسب با آن‌ها اقدام نمود. با این تعریف چنین طراحی‌هایی محصول تعامل و مشارکت جمعی ذینفعان است و اطلاق طراحی مسکن جمعی یا مشارکتی و یا تعاملی بدین سبب بر آن‌ها انجام می‌شود.

## ۲- پرسش‌های پژوهش

- استفاده از نظرات استفاده‌کنندگان (مردم) و مشارکت آن‌ها در فرآیند طراحی مسکن چه تاثیری در ارتقاء کیفیت مسکن و رضایمندی ساکنین دارد؟
- از چه راه‌هایی می‌توان استفاده‌کنندگان از مسکن را وارد فرآیند طراحی کرد؟
- ارتباط بین طراح (معمار) و استفاده‌کننده (مردم) در این رویکرد چگونه است؟

## ۳- اهداف تحقیق

از آن جایی که مسکن باید پاسخگوی نیازهای اجتماعی و روانی استفاده‌کنندگان از آن باشد، در این پژوهش برآنیم اهمیت تبلور جنبه‌های حیات جمعی انسان‌ها در طراحی مسکن و تاثیر آن بر ارتقاء کیفیت مسکن و رضایتمندی ساکنین را بازگو کنیم. در گام بعد به دنبال ارتباط بین طراح (معمار) و استفاده‌کننده (مردم) در این فرآیند بوده و در انتها به دنبال راهکارهایی برای مشارکت استفاده‌کنندگان از مسکن در روند طراحی و مقایسه این روش‌ها می‌باشد. از آن جایی که در اکثر پژوهش‌ها و تحقیقاتی که توسط دیگر پژوهشگران صورت گرفته است، بیشتر به ضرورت و اهمیت استفاده از نظر، خواست‌ها و نیازهای استفاده‌کنندگان در روند طراحی مسکن اشاره شده و کمتر پژوهشی به ارتباط بین طراح و استفاده‌کننده در این فرآیند و راهکارهای مشارکت استفاده‌کنندگان پرداخته است.

## ۴- پیشینه موضوع

### ۴-۱- مشارکت

واژه‌ی مشارکت (بر وزن مفاعله) به معنای شرکت دو جانبه و متقابل افراد برای انجام امری است. در فرهنگ آکسفورد آن را کنش یا واقعیت شرکت داشتن و سهم داشتن معنی کرده‌اند. از نظر لغوی مشارکت به معنی شرکت کردن و انبازی کردن است (فرهنگ فارسی عمید، جلد ۳). یعنی شریک شدن یک فرد در سرمایه یا امور مربوط به یک فرد دیگر. مشارکت معادل اصطلاح انگلیسی "Participation" بوده و این واژه از ریشه "Part" به معنی قسمت، جزء و بخش گرفته شده و به معنی "سهیم شدن در چیزی و یا گرفتن قسمتی از آن است." (ویسی و طلیسچی، ۱۳۹۴: ۶). مشارکت در ابعاد فرهنگی و اجتماعی تعاریف گوناگونی دارد که برای نمونه به مواردی اشاره می‌گردد.

الف) مشارکت ایجاد نوعی احساس همبستگی و تعلق و تلاش دسته جمعی میان افراد یک جامعه به منظور نیل به یک نظام عادلانه اجتماعی است. ب) مشارکت یعنی درگیر شدن ذهنی و عاطفی فرد در گروهی که او را برمی‌انگیزاند تا برای دستیابی به مقصود گروه و پذیرش مسئولیت حرکت کند. ج) مقصود از مشارکت دست در دست هم گذاشتن برای انجام کاری است. د) مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد برای دستیابی به

اهداف گروهی و همدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند. (قاسمی برمی، علی؛ صادقی لواسانی، نادر، ۱۳۹۶: ۱) براساس این تعریف، درگیر شدن در طرح، یاری دادن و مسئولیت پذیری سه ویژگی مهم مشارکت می‌باشد. از دیدگاه اسلام مشارکت در سرنوشت فردی و جمعی نه تنها یک حق، بلکه یک وظیفه است. در این باب از دیدگاه قرآن و ائمه سفارشات زیادی شده است. مشورت و شورا از لغت (شارالعلسل) گرفته شده و به معنای بیرون آوردن عسل از کندو و به دست آوردن عسل ناب است. این لغت در اصطلاح به معنای به دست آوردن راه درست و متقن از طریق نظرخواهی با عقلا و خردمندان است. و آنجایی که حضرت علی(ع) می‌فرماید «کسی که با انسان‌های دیگر مشورت می‌کند، در عقل‌های آن‌ها شریک است.» و در جایی دیگر فرمودند «انسان همین که خود را در سطح مشورت قرار داد، از استبداد دور شده است.» (نهج البلاغه، قصص ۱۶۱) اهمیت و ارزش این مشارکت و مشورت در امر طراحی مسکن زمانی بالا می‌رود که طرف مقابل برای مشورت و مشارکت در طراحی، استفاده کننده‌ی از آن مسکن است که قرار است عمر خود را در این مسکن سپری کند و این که آیا در این مکان آرامشی به وی هدیه می‌شود یا خیر جای سوال است از آنجا که پس از طراحی و اتمام ساخت، طراح و مجری از صحنه غایب می‌شوند.

طراحی کوششی برای ابداع راه حل‌ها قبل از اجرای آن‌هاست. در بیشتر موارد طراحی فرآیندی تحلیلی به حساب می‌آید، در حالی که به تجزیه تحلیل، ارزیابی و گزینش نیاز دارد. (لنگ، ۱۳۹۰: ۶۴) از وظایف طراحان مبتکر تشخیص تمایلات مردم - یا شکل دادن به تمایلات- و به وجود آوردن محیط‌هایی است که رفتارهای حاصل از آن تمایلات را تامین کنند. (همان: ۱۱۹) برای مثال پله‌های جلوی ورودی یک پاساژ پاسخگوی نشستن هستند در صورتی که برای چنین عملکردی ساخته نشده‌اند بلکه پس از ساخته شدن چنین زمینه‌ای را فراهم آورده است. مشارکت به عنوان یک نظریه طراحی شامل دیدگاه‌هایی است که معتقدند متخصصان در حوزه‌ی طراحی، باید کاربران و دیگر افراد را نیز دخیل کنند. از این منظر متخصصان باید افراد را کمک کنند تا به خواست‌های اصلی و واقعی خود دست یابند. استفاده از خواست‌ها و نیازهای ساکنان در طراحی مسکن باعث رضایتمندی ساکنان می‌شود از آنجا که استفاده کنندگان از مسکن از تخصصانی که از بیرون به ماجرا می‌نگرند بیشتر واقف به نیازها و خواست‌های محیط خود هستند. اصطلاح مشارکت در طراحی عبارت است از دخالت موثر اعضای یک گروه یا جامعه (یا نمایندگان آن‌ها) در تمامی فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌هایی که به کل گروه و جامعه مربوط می‌شود (اسلامی و کامل‌نیا، ۱۳۹۳: ۱۲). از آنجا که استیل<sup>۱</sup> مشارکت را یک واژه کلیدی در دستور زبان برنامه ریزان میدانند. در مورد ارزش و اهمیت مشارکت استفاده کنندگان در طراحی مسکن تحقیقات و پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است؛ از جمله اشاره حسن فتیحی در کتاب «ساختمان سازی با مردم» که برای طراحی مسکن در دهکده گورنا<sup>۲</sup> مطابق با خواست‌ها و نیازهای ساکنانش مثال کفاش را به کار برده است. «کفاش، کفش را با پای مشتری خود تطبیق می‌دهد و افزون بر آن می‌تواند به سان چکمه‌دوز ارتش، کفش‌هایی را به اندازه‌های استاندارد بدوزد و مشتری را آزاد بگذارد تا پای خود را با آن‌ها تطبیق دهد. من هم در گورنا جامعه‌ای زنده با تمام پیچیدگی‌هایش داشتم و می‌توانستم آن را در چند اقامتگاه استاندارد انباشته کنم و همانند جوانی که می‌بایست خود را با چکمه‌اش تطبیق دهد، وادار به تحمل فشارها و تاول‌ها نمایم، یا اینکه اندازه‌اش را بگیرم و روستایی بسازم که خود را با تمام ناهماهنگی‌ها و خصوصیت‌های جزئی سازگار نماید، انگار که حلزونی را از صدفش خارج کنند تا آن را در صدف دیگری جای دهند.» (فتیحی، ۱۳۸۲: ۱۰۰)

#### ۴-۲- تاریخچه مشارکت در روند طراحی

در دهه ۱۹۵۰م، شروع تلاش‌های متخصصان برنامه‌ریزی و معماری برای بهبود کیفی محیط‌های زندگی افراد فقیر و طرح‌های خویش‌فرما در کشورهای در حال توسعه یا ناحیه‌های کم درآمد شهرهای توسعه یافته صورت پذیرفته، در همین دوره حسن فتیحی در طرح دهکده گورنا، سعی کرد تا با استفاده از گروه‌های خویش‌فرما بر اساس نظرات ساکنان، محیط زندگی آن‌ها را طراحی و به وجود آورد. در دهه ۱۹۶۰م جنبش‌های حقوق شهروندی، زمینه ساز توجه به نقش کاربران در فرآیند طراحی پروژه‌های طراحی و برنامه‌ریزی شد. در همین دهه دیویدوف<sup>۳</sup> با انتقاد از وضعیت طراحی مناطق شهری، از برنامه‌ریزان و

طراحان خواست تا به عنوان یک وکیل مدافع از حقوق ساکنان دفاع کنند. در دهه ۱۹۷۰م بلکرود<sup>۴</sup> به عنوان اولین پروژه‌ی معماری جمعی با استفاده از روش خویش‌فرما و دخیل کردن ساکنان در پروژه به اتمام رسید.

در دهه ۱۹۸۰م کتاب «حوزه‌ی معماری اجتماعی» توسط ریچارد هچ<sup>۵</sup> منتشر شد که در آن نمونه‌های کاربردی گوناگونی را در رویکردهای مختلف معماری جمعی معرفی کرد. همچنین کتاب «معماری جمعی: چگونه مردم محیط خود را به وجود می‌آورند» توسط نیک واتز<sup>۶</sup> و چالز نویت<sup>۷</sup> منتشر شد و برای اولین بار به نمونه‌های این معماری اشاره کردند. در همین دهه رالف ارسکین<sup>۸</sup> اولین معمار جمعی بود که در سال ۱۹۸۷م توانست مدال طلای معماری را به خود اختصاص دهد. در سال ۱۹۹۵م کتاب «ساختن دموکراسی: معماری جمعی در مراکز شهرها» که توجه به مسئله طراحی جمعی در تجدید حیات جمعی را عنوان می‌کند توسط گراهام تاورز<sup>۹</sup> منتشر شد. در سال ۲۰۰۰م کتاب «روش‌های مشارکت جمعی در برنامه‌ریزی و طراحی» که یکی از مهم‌ترین منابع در حوزه‌ی روش‌های مشارکتی در تجارب مشارکتی است توسط هنری سانوف<sup>۱۰</sup> منتشر شد. در سال ۲۰۰۴م پروژه شهر دوستدار کودک (بم-ایران) پس از زلزله، تعریف و با استفاده از گروه‌های کاری کودکان، به صورت جمعی پیگیری شد. این طرح به دلیل عدم تداوم در تمامی مراحل، نتوانست به خواست‌های مورد نظر دست پیدا کند؛ اما به عنوان یکی از نظام‌مندترین نمونه‌های رویکرد جمعی طراحی در ایران، از اهمیت خاصی برخوردار است. کرافتون<sup>۱۱</sup> در کتاب «برنامه‌ریزی اجتماعی پایدار و توسعه ابزار و روش مشارکت» که در سال ۲۰۰۱م برای بخش تحقیقاتی مسکن کانادا به رشته‌ی تحریر درآورده، کتاب را با جمله‌ی "None of us is as smart as of us" (هیچ کدام از ما، به اندازه‌ی ما هوشمند نیستند) که در آن به ارزش مشارکت اشاره کرده، شروع کرده است. او برای همه‌ی پروژه‌های مشارکتی چند فاکتور زیر را ضروری دانسته است. ارتباطات موثر، تجسم، ملاحظیات خاص، ابزارهای مبتنی بر کامپیوتر، اینترنت، اهمیت برنامه‌ریزی پایدار جامعه، چشم انداز، تصدیق ساختن، مشاوران و تهسلیل‌کنندگان و جلسات و رویدادهای زیست محیطی. همچنین برای ارتباطات موثر در پروژه‌های مشارکتی عوامل زیر را (که از دستورالعمل‌های برنامه ۲۰۰۰ مشارکت عمومی شهر ونکوور شمالی اقتباس شده) پیشنهاد می‌کند. (Crofton, 2001: 32) ارتباطات را بیشتر در اوایل کار برقرار کنید، ارتباط و آموزش را در مشارکت عمومی ادغام کنید، مردم را در مورد عموم آگاه سازید، خودتان در برنامه درگیر شوید، اجازه دهید مردم بدانند که دیگران چه می‌گویند و ...

در ۲۸ و ۲۹ نوامبر ۲۰۱۲م در کنفرانس بین‌المللی «چالش‌های توسعه مشارکتی در تمرین توسعه معاصر» که در دانشگاه ملی استرالیا برگزار شد، مقالاتی با موضوعات مشارکت در طراحی ارائه شده که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. رابرت چمبرز<sup>۱۲</sup> در مقاله‌ی «مشارکت برای توسعه: زمان خوبی برای زنده بودن است»، مشارکت را اینگونه بیان می‌کند، من مشارکت را تعریف نمی‌کنم بلکه فقط می‌گویم مشارکت پیامدهایی برای قدرت ارتباطات، تعاملات شخصی، نگرش‌ها و رفتارها دارد و این مشارکت می‌تواند تقریباً در تمام زمینه‌ها و فرآیندهای اجتماعی در سازمان‌ها، جوامع، آموزش و پرورش و خانواده تأثیرگذار باشد. (Robert chambers, 2012:1) یوت سلیم<sup>۱۳</sup> در مقاله‌ی «فرصت‌ها و چالش‌های مشارکت»، اعتقاد دارد رویکردهای مشارکتی بر مردم محلی در مراحل مختلف سیاست‌گذاری و برنامه‌پیاده‌سازی تأکید دارد. مردم محلی وقتی شرکت می‌کنند، آن‌ها به عنوان عواملی برای تغییر با توانایی برای تبدیل قدرت و روابط اجتماعی از طریق عادت خودشان در نظر گرفته شده‌اند. (Yvette selim, 2012: 1)

دیویس<sup>۱۴</sup> و همکارانش در «کتاب ابزار مشارکت برای برنامه‌ریزی بهتر جامعه» که در نوامبر ۲۰۱۳ (که برای کمیسیون دولتی محلی کالیفرنیا آماده شده بود) اعتقاد دارد به خوبی درک می‌شود که مشارکت عمومی، سنگ بنایی است از جامعه‌ی دموکراتیک و این برای آوردن اعضای جامعه در روند برنامه‌ریزی محلی بسیار مهم و ارزشمند است؛ زیرا تصمیمات حاصل شده اغلب مستقیم و قابل لمس است و تأثیر بر زندگی روزمره‌ی آن‌ها می‌گذارد. (Dave Davis, 2013:2) هفمن<sup>۱۵</sup> در کتاب «معماری برای مشارکت» که در سال ۲۰۱۴م در برلین منتشر شده، اعتقاد دارد معماران می‌توانند از طریق شناسایی محیط در فرآیند طراحی، با تعریف شرایط موجود در مکان‌ها و فضاهایی که برای آن‌ها طراحی می‌کنند و با در نظر داشتن تغییرات شرایط حاکم که آن‌ها در برنامه‌هایشان برنامه‌ریزی می‌کنند آگاه باشند. شرایط محیط می‌تواند فرموله شده و بر اساس آن

طراحی شود. ما توانستیم روش های مختلفی را در فرآیندهای طراحی مشارکتی مختلف، در سطوح گوناگون ارتباطات، از متن و تصاویر خالص و محیط های ملموس محیطی استفاده و تجدید نظر کنیم. تجربه فضایی فقط در فضاهای فیزیکی یا معماری رخ نمی دهد؛ آن را نیز می توان در تخیل ما با کمک کلمات، تصاویر، موسیقی، مدل ها، و المان های فضایی ایجاد کرد. این برای کار معماران ضروری است، که می تواند از توانایی طراحی و شرایط محیطی استفاده کند. اما آن ها تنها کسانی نیستند که دارای این نوع تخیل هستند یا قادر به توسعه آن هستند. در این راستا، آن ها به جلو فکر می کنند؛ آنها برای استفاده از فضاها "پیشگیرنده ها"<sup>۱۴</sup> هستند. در عوض کاربر، که نه تنها باید مالکیت محصول را داشته باشد، بلکه همپوشانی و شناسایی با آن ها است. به گفته والتر بنیامین، "ساختمان ها به صورت دوگانه به کار گرفته می شوند: استفاده و درک - یا به وسیله لمس و چشم انداز". (Hofmann, 2014:40)

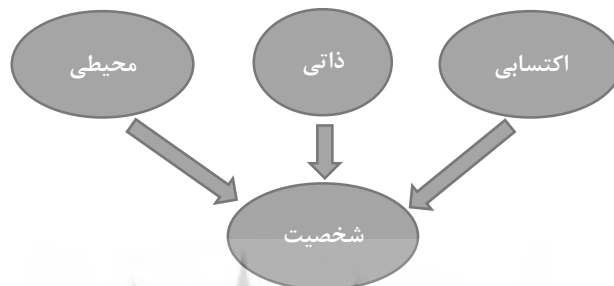
جدول ۱ - نمونه ای از مراجع در مورد رویکرد معماری جمعی (منبع: نگارندگان)

تاریخ	نام کتاب	نویسنده (گان)	نتایج و یافته ها
۱۹۸۴م	حوزه معماری اجتماعی	ریچارد هچ	نمونه های کاربردی گوناگونی را در رویکردهای مختلف معماری جمعی معرفی کرده است.
۱۹۸۷م	معماری جمعی: چگونه مردم محیط خودشان را به وجود می آورند.	نیک واتز و چالز نوبت	برای اولین بار و به طور دقیق و مستند به نمونه های معماری جمعی اشاره کرده است.
۱۹۹۵م	ساختن دموکراسی: معماری جمعی در مراکز شهرها	گراهام تاووز	توجه به مسئله طراحی جمعی در تجدید حیات جمعی را عنوان می کند.
۲۰۰۰م	روش های مشارکت جمعی در برنامه ریزی و طراحی	هنری سانوف	به روش های جدید مشارکتی در ساخت محیط با استفاده از کاربران پرداخت.
۲۰۰۱م	مدرنیته و اجتماع: معماری در جهان اسلام	فرامپتون <sup>۱۷</sup> ، چالز کوره <sup>۱۸</sup> و رابسون <sup>۱۹</sup>	اشاره به نمونه هایی از معماری جمعی با توجه به ویژگی احساس جمعی
۲۰۰۱م	ابزار و روش های مشارکت در برنامه ریزی توسعه پایدار جامعه	کرافتون	بر مشارکت در زمینه برنامه ریزی پایدار جامعه تمرکز دارد و شامل توجه ویژه به اصول مشارکت کلیدی، سطح مشارکت و مسائل و مزایای مشارکت چند مشارکت کننده در برنامه ریزی پایدار جامعه می باشد.
۲۰۰۵م	معماری و مشارکت	پیتر بلوندل جونز <sup>۲۰</sup>	این کتاب مجموعه ای از مقالات ارائه شده در سمیناری است در دانشگاه شفیلد با موضوع مشارکت در سال ۲۰۰۲م.
۲۰۱۳م	ابزار مشارکت برای برنامه ریزی جامعه بهتر	دیویس و همکاران	ابزار مشارکت برای برنامه ریزی جامعه بهتر ارائه یک مرور کلی از ابزارهای مشارکت عمومی است که می تواند به برنامه های جوامع برای استفاده از زمین جهت ارتقای سلامت کمک کند.

### ۳-۴ - مشارکت در طراحی و شناخت نیازهای استفاده کنندگان

مشارکت در جامعه و همکاری، نقش مهمی در ایجاد و توسعه جوامع ما ایفا می کند. به گفته وینستون چرچیل «ما ساختمان هایمان را شکل می دهیم، سپس آن ها ما را شکل می دهند.» (Dave Davis, 2013: 1) از این جمله می توان دریافت که ساختمان ها بر روی استفاده کننده ای از آن ها تاثیرگذار است و اگر ساختمان ها بر اساس خواست ها و نیازهای آن ها طراحی و اجرا گردد می تواند تاثیرات مثبت بر روی رفتار آن ها داشته باشد. هدف در این جا تبدیل این جمله (که اکثر طراحان و برنامه ریزان آن را به زبان می آورند) «ما آن را تشخیص می دهیم و برای شما انجام می دهیم.» به جمله ای «ما با هم کار می کنیم و با هم یاد می گیریم.» (Crofton, 2001: 1) برای یافتن راه حل های خلاقانه و دستیابی به نتایج سودمند و دوجانبه می باشد.

سبک زندگی انسان‌ها که متأثر از عوامل شخصیتی آن‌ها می‌باشد به نوبه خود از عوامل سه‌گانه ذاتی (ژنتیک)، محیطی (اقلیم) و اکتسابی تاثیر می‌پذیرد. عوامل ذاتی کلا به آن دسته از فاکتورهایی اطلاق می‌گردد که با تولد انسان با وی همراه می‌باشد و به صورت ویژگی‌های ژنتیکی در انسان‌ها رخ می‌نماید. عوامل محیطی هم اشاره به فاکتورهایی دارد که به زیست بوم انسان‌ها و به طور خاص شرایط اقلیمی ناظر است و شاید مهمترین آن عوامل اکتسابی است که مجموعه‌ای گسترده از عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ..... را شامل می‌شود. این عوامل طی فرآیند آموزش غیر رسمی توسط خانواده و گروه دوستان و آموزش رسمی توسط نهادهای آموزشی به انسان‌ها آموزش داده می‌شود که می‌توان فرآیند اجتماعی شدن یا جامعه پذیر بودن را به آن اطلاق نمود. این مجموعه عوامل به عنوان شکل دهنده شخصیت انسان‌ها در نظر گرفته می‌شود که خود پایه‌گذار سبک زندگی می‌باشد.



نمودار ۱- عوامل اصلی تاثیرگذار بر شخصیت (منبع: نگارندگان)

ویژگی‌های بومی از عوامل اساسی تاثیرگذار بر فرهنگ مردم است. ساختار شخصیت و فرهنگ متأثر از ویژگی‌های وراثتی و آموزه‌های اکتسابی است که در فرآیند جامعه‌پذیری انتقال می‌یابد؛ این آموزه‌ها فرهنگی است و همانطور که گفته شد ویژگی‌های بوم شناختی رابطه مستقیم با فرهنگ دارد. (عطایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴) در مورد طراحی مسکن در مناطق مختلف به طور مثال طراحی در مناطق حاشیه کویر و یا طراحی در شهرهای حاشیه دریا، مسائل اقلیمی مورد اهمیت هستند و به طور قطع در طراحی تاثیرگذار می‌باشد، اما آن چیزی که بیشتر مدنظر می‌باشد تفاوت در فرهنگ، رفتار، کردار و به تبع آن خواست‌ها و نیازهای مردم آن مناطق است که باعث تفاوت در معماری این مناطق می‌شود.

تاثیر اقلیم و شرایط آب و هوایی بر طراحی مسکن بر کسی پوشیده نیست و انسان‌ها از ابتدا در خلقت آموخته‌اند با بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی که طبیعت در اختیار آن‌ها قرار داده است و با مدنظر قرار دادن فرصت‌ها و تهدیداتی که شرایط طبیعی و اقلیمی برای آن‌ها فراهم آورده است مسکن مناسب جهت زیست در این محیط‌ها را طراحی نمایند. اما آن‌چه شاید بیشتر از عامل فوق در طراحی‌ها می‌تواند موثر واقع شود، ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، روانی و حتی سیاسی و اقتصادی انسان‌هاست. این ویژگی‌ها هرچند هم می‌تواند به طور مستقل بر الگو آفرینی در طراحی مسکن نقش آفرینی نماید و هم به عنوان متغییر وابسته باشد، هرچند در ابتدا طراحان از شرایط اقلیمی به عنوان متغییر مستقل استفاده می‌کنند و بر اساس آن ویژگی‌های طراحی مسکن را رقم می‌زنند. برای تشریح و توضیح این مطلب می‌توان ویژگی فرهنگی-روانی افراد ساکن در اقلیم کویری و خشک را با ساکنان مناطق جلگه‌ای و مجاورت دریا مقایسه نمود. ساکنین مناطق خشک و کویری به علت این‌که شرایط ادامه حیات خود از جمله آب و غذا را با تقبل مشکلات عدیده‌ای گرد می‌آورند. مثلا با حفر چاه و قنات آب را از ده‌ها و در مواردی از صدها متر زیر زمین تامین می‌نمایند و یا این‌که با توجه به کم آبی و بستر نامناسب خاک، به دست آوردن مواد غذایی برای آن‌ها بسیار مشکل و طاقت‌فرسا است و این مشکلات را طی سنت با گوشت و پوست خود درک نموده‌اند، لذا در حفظ و حراست دستاوردهای خود نهایت کوشش و تلاش را به کار می‌گیرند و همچنین آن‌ها بی‌نهایت صرفه‌جو و اصطلاحا مصرف‌خوب و به قاعده را مدنظر قرار می‌دهند. از این‌رو اهالی این اقلیم ویژگی مقتصد و صرفه‌جو بودن را به عنوان یک ویژگی فرهنگی-اخلاقی خود از نحوه زندگی در این گونه اقلیم‌ها نشأت می‌گیرند و دارند. در نقطه مقابل ساکنین مناطق جلگه‌ای و ساحلی که به وفور از



نعمت‌های گوناگون از جمله آب و مواد غذایی برخوردارند و اصطلاحاً جهت به دست آوردن آن‌ها تلاش و کوشش چندانی نمی‌نمایند، به عنوان یک ویژگی فرهنگی-اخلاقی هم سخت کوشی کویرنشینان را ندارند و هم در مصرف نعمت‌ها دقت نظر و دیدگاه اقتصادی و صرفه‌جویانه آن‌ها را به کار نخواهند بست. از این رو می‌توان نتیجه گرفت علی‌رغم تاثیر اقلیم و شرایط اقلیمی در طراحی مسکن، آن چه بیشتر در این عرصه نمود خواهد داشت ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و روانشناسی انسان‌ها و به طریقی دیگر ویژگی‌هایی که علاوه بر جنبه‌های غریزی و ژنتیکی ریشه در زندگی اجتماعی آن‌ها دارد. چه این ویژگی‌ها مستقل از شرایط اقلیمی در وجود آن‌ها شکل گرفته باشند، چه این که تحت تاثیر شرایط اقلیمی به عنوان متغییر وابسته در این عرصه نقش آفرینی نمایند.



نمودار ۲- تاثیر شرایط اقلیمی بر فرهنگ و تفاوت در خواست‌ها و نیازهای مردم (منبع: نگارندگان)

## ۵- طرح و ارتباط آن با طرح و جامعه

وضعیت‌های سه‌گانه‌ای که در جریان ارتباط معمار و کارفرما می‌توان تصور کرد، عبارت‌اند از:

الف) معمار فعال - کارفرما منفعل، در این حالت معمار بدون لحاظ کردن دیدگاه و نقطه نظرات کارفرما راساً نسبت به طراحی واحدهای مسکونی بر اساس محتوای ذهنی و تخصصی خود اقدام می‌نماید و اساساً دیدگاه کارفرما را در آن دخیل نمی‌نماید و از این رو در مقابل فعال بودن معمار، کارفرما منفعل است و تمامی اختیار به دست معمار سپرده می‌شود. برآیند چنین طراحی به ندرت مورد رضایت کارفرما قرار می‌گیرد ولی با توجه به انجام کار بالاجبار به آنچه پیش آمده رضایت خواهد داد هر چند در مواردی بعدها اصلاحات و تغییراتی اعمال خواهند نمود.

ب) کارفرما فعال - معمار منفعل، این وضعیت دقیقاً عکس وضعیت الف می‌باشد؛ توضیح این که در این وضعیت معمار تنها به جهت داشتن تخصص طراحی و آشنایی با نرم‌افزارهای مربوطه و در مواردی به جهت الزامات قانونی توسط کارفرما جهت طراحی به خدمت گرفته می‌شود؛ اما موظف است در چهارچوب تعیین شده و براساس پیش طرح‌های کارفرما کار طراحی را به انجام برساند. در این روش آن چه مدنظر است خواست و اراده‌ی کارفرما است و معمار منفعلانه ایده‌های وی را در قالب طراحی می‌ریزد و معمار تنها در این وضعیت مغایرت‌های احتمالی پیش طرح کارفرما یا مقررات و ضوابط شهرسازی را گوش‌زد کرده و ایده‌های اصلاحی به منظور رفع آن ارائه می‌دهد. ولی این مهم آن است که ایده‌های اصلاحی معمار نیز به شرطی جنبه‌ی اجرایی خواهند یافت که توافق کارفرما را کسب نماید. در این وضعیت معمار منفعل و کارفرما کاملاً فعال است.

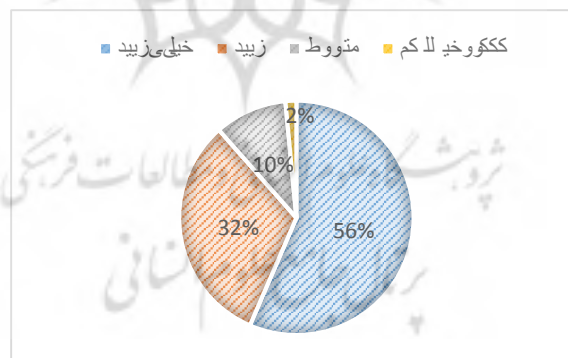
ج) معمار فعال - کارفرما فعال، این وضعیت، وضعیت ایده‌آل و مطلوبی است که برآیند و خروجی آن هم حاوی نقطه نظرات کارفرما و هم دربرگیرنده الزامات قانونی و ضوابط طراحی است. در واقع این وضعیت یک فرآیند تعامل گونه است که دو طرف آن فعال‌اند، به نوعی بازی برد-برد. در واقع کارفرما نقطه نظرات و خواست خود را در طراحی مکان اعم از جانمایی، طراحی بیرونی و درونی با معمار درمیان می‌گذارد، آن‌گاه معمار این خواست‌ها را با ضوابط و مقررات قانونی و طراحی مورد ارزیابی قرار داده و چنانچه مغایرت‌هایی مشخص گردد با دعوت از کارفرما و طرح موضوع، مغایرت‌ها به ارائه راه‌حل و مکانیزم‌های اصلاحی می‌پردازد. آن‌گاه از کارفرما می‌خواهد با این راهکارها و مکانیزم‌های ارائه شده تا حدودی خواست خود را تعدیل تا مغایرت‌ها رفع گردد. بدیهی است طراحی آن‌گاه نهایی خواهد شد که در یک فرآیند تعاملی اشکالات و مغایرت‌ها با همکاری طرفین مرتفع و طرح با نیازهای کارفرما از یک طرف و الزامات فنی تخصصی از طرف دیگر منطبق گردد. در این روش هیچ کدام از طرفین منفعل نیستند، بلکه هر دو فعالانه در فرآیند طراحی ایفای نقش نموده تا برآیند با علائق و خواست طرفین و الزامات قانونی سازگار گردد. از این رو کارفرما از چگونگی انجام کار و خروجی آن رضایت دارد، چون مبتنی بر خواست خودش بوده، همچنین معمار نیز از آن جهت که کلیه ظرایف و الزامات تخصصی - قانونی در فرآیند طراحی لحاظ شده است خوشنود می‌باشد. به همین دلیل این وضعیت که همان معماری جمعی یا تعاملی است را فرآیندی برد-برد می‌نامیم.

## ۶- روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر شامل مراحل جمع‌آوری اطلاعات، تهیه ابزار تحقیق، دسته‌بندی داده‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس شیوه پیمایشی است. در این تحقیق به منظور بررسی جایگاه مشارکت استفاده‌کنندگان در فرآیند طراحی مسکن و رابطه بین طراح و استفاده‌کننده در این فرآیند و شناخت راهکارهایی به منظور مشارکت استفاده‌کنندگان در فرآیند طراحی، پس از مطالعات نظری منابع و بررسی و تحلیل نتایج صورت گرفته، به وسیله پرسشنامه‌ای متشکل از ده سوال بسته و یک سوال باز که از پاسخگویان خواسته شده مقدار مشارکت در طراحی خانه خود و میزان رضایت خود را ابراز کنند. سپس از طریق نتایج سوالات و ضریب همبستگی بین سوالات (که عددی است بین ۱- تا ۱+) نزدیکتر شود میزان بالای همبستگی مستقیم بین سوالات را نشان می‌دهد) مقدار همبستگی بین سوال میزان مشارکت و رضایت در طراحی مسکن را بازگو می‌کند. و در انتها از طریق یک سوال باز از پاسخگویان خواسته شده نظر خود را در مورد روش‌های مشارکت استفاده‌کنندگان از مسکن در طراحی آن ارائه کنند. جامعه آماری در این تحقیق به تعداد ۱۵۰ نفر که به صورت رندوم از افراد مختلف در شهرهای اصفهان، باغبادران، شهرکرد، یاسوج و یزد انتخاب شده است.

## ۷- تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش به منظور پاسخگویی به سوالات مطرح شده در خصوص تاثیر مشارکت و راهکارهای آن در روند طراحی مسکن از پاسخگویان خواسته شد نظرات خود را در مورد مشارکت طراح و استفاده‌کننده از مسکن در فرآیند طراحی و ساخت آن مطرح کنند. بر اساس استخراج نتیجه کار اکثریت قابل ملاحظه‌ای از پاسخگویان صرف نظر از این که محل سکونت خود را ساخته خریده‌اند و یا خود در فرآیند ساخت آن دخالت داشته‌اند، موافق مشارکت و دخالت نظر استفاده‌کنندگان از محل سکونت در فرآیند طراحی و ساخت آن می‌باشند. به گونه‌ای که ۵۶٫۵ درصد آن‌ها بر این مسئله خیلی زیاد علاقه‌مندند و ۳۲ درصد دیگر گزینه زیاد و ۱۰ درصد دیگر متوسط و تنها ۱٫۵ درصد تمایل به مشارکت در فرآیند طراحی و ساخت از محل سکونت خود نداشته‌اند.



نمودار ۳- دیدگاه مردم نسبت به مشارکت در فرآیند طراحی و ساخت مسکن (منبع: نگارندگان)

نکته جالب توجه دیگر اینکه رابطه مستقیم بین میزان رضایت از محل سکونت و علاقه‌مندی بر مشارکت در طراحی و ساخت آن وجود دارد. به بیان دیگر کسانی که علاقه‌مند به مشارکت بوده و مخصوصاً آن‌ها که در جریان ساخت منزل خود راسا مشارکت نموده‌اند، از رضایتمندی بیشتری از محل سکونت خود نسبت به کسانی که به این مشارکت علاقه‌مندی جدی نشان نداده‌اند، محاسبه ضریب همبستگی بین دو متغیر میزان مشارکت در طراحی و ساخت محل سکونت و میزان رضایت از آن عدد ۰٫۷۶ می‌باشد که حاکی از رابطه مستقیم قابل ملاحظه بین این دو متغیر می‌باشد.

نتایج به دست آمده از تنها سوال باز پرسشنامه که اشاره به نحوه مشارکت صاحبان مسکن در فرآیند طراحی و ساخت منازل آن‌ها دارد نیز دلالت بر این امر دارد که اکثریت قریب به اتفاق پاسخگویان به ضرورت این مشارکت و تعامل بین معمار و



کارفرما عمیقاً باور دارند؛ اما در خصوص نحوه مشارکت آن‌ها نیز اعتقاد آن‌ها بر این است که باید متناسب با ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی و شاخص‌های جمعیت شناختی آن‌ها مدل مشارکت تعریف گردد.

امروزه با توجه به این‌که بر خلاف روش‌های سنتی در فرآیندهای تصمیم‌گیری تنها مردان خانواده تصمیم نمی‌گیرند، بلکه تصمیم برآیند حاصل نظرات اعضای خانواده است و حتی کودکان و نوجوانان نیز به نوبه خود در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت فعال دارند، لذا در بهره‌گیری از نظرات آن‌ها جهت تعامل در امر طراحی و اجرا مسکن باید متناسب با عواملی همچون میزان سواد، سن، جنسیت و خاستگاه فرهنگی اجتماعی آن‌ها از مناسب‌ترین و کارآمدترین ابزارها جهت مشارکت بهره‌جست. به طور مثال ابزار پرسشنامه جهت جمعیت آماری باسواد، مصاحبه و مشاهده جهت جمعیت آماری بی‌سواد یا کم سواد و یا ابزار نقاشی و تمام کردن تصاویر ناتمام در کنار مصاحبه جهت بهره‌گیری از نظرات کودکان توصیه می‌گردد.

## ۸- جمع‌بندی

استفاده از نظرات و پیشنهادات استفاده‌کنندگان در روند طراحی مسکن و مشارکت آن‌ها در فرآیند طراحی با استفاده از ابزارهای متفاوتی ممکن است تا از طریق آن اطلاعات مورد نیاز آن‌ها کسب گردد و رابطه‌ی بین متخصص و کاربر را تبیین کرده. از مهمترین ویژگی‌های پروژه‌های مشارکتی توجه به ابزارهای مشارکتی به عنوان واسطه‌ای میان کاربران و متخصصان است که برای ارتباط ایده‌ها و عقاید کاربران از ابزارهای مختلف مشارکتی استفاده می‌کنند. شناخت این ابزارها و استفاده درست از آن‌ها از عوامل تاثیرگذار در موفقیت یک فرآیند مشارکتی است. ابزارهای مشارکتی عمومی شامل جلسات چهره به چهره، کارگاه‌ها، کارهای محله‌ای و سیستم‌های مشارکتی مجازی مبتنی بر وب است. آن‌ها را می‌توان در تعدادی از تنظیمات، ترکیب‌ها و فرمت‌ها اعمال کرد. چگونگی انتخاب ابزارها به چندین عامل از جمله اندازه و پیچیدگی منطقه جغرافیایی بستگی دارد. (Dave Davis, 2013: 12) همچنین ممکن است با ارائه بازخورد، شرکت در کارگاه‌های تخصصی و برنامه‌ریزی رویدادها و کمیته‌های مشورتی به فعالیت‌هایی که شامل مشارکت است. (Crofton, 2001: 15).

ابزارها و روش‌های گوناگون و مختلفی برای مشارکت وجود دارد ابزارهایی همچون مصاحبه، مشاهده، تورهای بازدید، نمودارها، عکس و فیلم‌برداری، دیاگرام، نقاشی و طراحی، تحلیل پلان رفتاری، ماکت و شبیه‌سازی، نقش بازی کردن و نمایش، تصور کردن، قصه‌گویی، سناریو، بازی و بسیاری دیگر از روش‌ها مثل ابزارهای نوین در گرفتن اطلاعات از محیط (اسلامی و کامل‌نیا، ۱۳۹۳: ۱۲۲)، اما نکته حائز اهمیت در این‌جا این است که استفاده یکسان از همه این روش‌ها برای همه جامعه‌ی آماری نمی‌تواند مناسب باشد. به طور مثال زمانی که از روش مصاحبه تخصصی و پرسشنامه‌ها برای مشارکت استفاده‌کنندگان و شناخت نیازها و خواست‌های آن‌ها سخن به میان می‌آوریم، به طور قطع این روش برای جامعه‌ی باسوادان و بزرگسالان که توانایی درک و فهم سوالات را دارند می‌تواند مفید واقع شود. اما برای جامعه آماری خردسالان و کودکان که احساسات در تصمیم‌گیری و انتخاب آن‌ها تاثیر گذار است، می‌توان از روش‌هایی همچون نقاشی آن‌ها که دوست دارند و یا قرار دادن آن‌ها در یک موقعیت توسط یک داستان و قصه، به خواست‌ها و نیازهای آن‌ها دست یافت. تمامی این روش‌ها ابزارهایی هستند که استفاده‌کنندگان از مسکن را وارد فرآیند طراحی می‌کند و باعث شناخت نیازها و خواست‌های آن‌ها و متعاقباً منجر به طراحی مبتنی بر خواست‌ها و نیازهای آن‌ها می‌شود و مشخصاً استفاده ابزارها و روش‌های متفاوت در افراد مختلف می‌تواند نتایج بهتر و قابل قبول داشته باشد. اما آن چیزی که در این‌جا مدنظر است آن است که تمامی این اتفاق‌ها زمانی رخ می‌دهد که طراح، آن جامعه‌ای که می‌خواهد در آن‌جا طراحی کند را بشناسد و بر رفتارها و کردارهای مردم آن محیط واقف باشد مبتنی بر حالات و روحیات آحاد آن جامعه، بهترین ابزار و روش‌ها را انتخاب کرده و به کار گیرد. مانند طراحی حسن فتحی در دهکده گورنا که این‌گونه بیان می‌کند. هر فرد در حرکات، افکار و واکنش‌های خود عاداتی دارد که آن را خصوصیات فردی می‌نامیم و به وسیله ی آن او را از دیگران متمایز می‌سازیم. هنگامی که جامعه‌ای را مورد توجه قرار می‌دهیم، مجموعه‌ای از خصوصیات فردی را می‌بینیم و مهمتر این‌که هر خصوصیت فردی را نتیجه خصوصیات افراد دیگر می‌یابیم. هر خصیصه‌ای تحت تاثیر بسیاری از خصایص محیط خود قرار دارد و طبق ضرورت‌های اقلیمی، شغلی و معیشتی توسعه می‌یابد. خصوصیت هر فرد اسرارآمیز و

ذهنی نیست، بلکه از مجموعه‌ای از جزئیات قابل لمس است. ساعتی که یک مرد از خواب برمی‌خیزد، صورت خود را می‌شوید، سلیقه‌اش در لباس پوشیدن، عادات گفتارش، افرادی که تحت فرمانش هستند و افرادی که بر او فرمان می‌رانند و از همه مهمتر خانه‌اش. خانه‌اش تجلیل از خویش و پایدارترین یادمانش در اندازه، شکل و شکوه با دیگر عناصر خصوصی‌اش مطابقت خواهد کرد. به یقین خانه با امکانات او سازگار خواهد شد و افزون بر آن همه خصایص اکتسابی و طبیعی‌اش را نیز دربر خواهد گرفت.

## ۹- نتیجه‌گیری

این تحقیق با سوال تاثیر مشارکت استفاده‌کنندگان در روند طراحی بر ارتقاء کیفیت مسکن و میزان رضایتمندی ساکنین آغاز و به دنبال یافتن پاسخی مناسب، با مطالعه و بررسی منابع و نتایج پژوهش‌های پیشین و همچنین از طریق نتایج به دست آمده از پرسشنامه مطرح شده که ۵۶٫۵ درصد از آن‌ها خیلی زیاد، ۳۲ درصد زیاد و ۱۰ درصد دیگر متوسط و تنها ۱٫۵ درصد آن‌ها تمایل به مشارکت در فرآیند طراحی و ساخت از خود نشان نداده‌اند و ضریب همبستگی ۰٫۷۶ حاکی از همبستگی مستقیم بین دو متغیر میزان رضایت از محل سکونت و علاقه‌مندی به مشارکت در طراحی و ساخت آن نشان از آن دارد که مسکن به عنوان محل سکونت و تسکین انسان‌های سرگشته و خسته‌ای که در فشارهای روزانه به غایت فرسوده شده‌اند، می‌تواند نقش حیاتی در بازیافت و شادابی آن‌ها داشته باشد و به طور قطع اگر این سکونت‌گاه با تاکید بر حالت جمعی انسان‌ها و خواسته‌ها و نیازهای آن‌ها طراحی و اجرا گردد، در نیل به این مهم می‌تواند موثر واقع گردد. در پاسخ به سوال دوم و ارتباط میان طراح (معمار) و استفاده‌کننده (مردم) سه وضعیت را بیان می‌کند، الف) وضعیت کارفرما فعال-معمار منفعل، که در این وضعیت معمار تماماً مطیع دیدگاه‌ها و نقطه نظرات کارفرما است، ب) معمار فعال-کارفرما منفعل، در این وضعیت معمار بدون لحاظ کردن دیدگاه و نقطه نظرات کارفرما راساً نسبت به طراحی اقدام می‌کند، ج) معمار فعال-کارفرما فعال، این حالت که معرف وضعیت معماری جمعی و مشارکت استفاده‌کنندگان در فرآیند طراحی می‌باشد، در واقع این وضعیت یک فرآیند تعامل گونه است که دو طرف آن فعال‌اند و برآیند و خروجی آن هم حاوی نقطه نظرات کارفرما و هم دربرگیرنده الزامات قانونی و ضوابط طراحی است. در انتها در پاسخ به سوال راه‌های مشارکت استفاده‌کنندگان در این فرآیند باید اذعان داشت با توجه به نتایج به دست آمده از سوال مطرح شده در پرسشنامه در این خصوص که روش‌های فراوانی از جمله مصاحبه، مشاهده، پرسشنامه، شبیه‌سازی و ماکت‌سازی، سناریو، نقاشی، قصه‌گویی و بسیاری دیگر از روش‌ها وجود دارد، اما نکته حائز اهمیت این است که استفاده یکسان از همه این روش‌ها برای همه جامعه آماری نمی‌تواند مفید واقع شود و مشخصاً استفاده ابزارها و روش‌های متفاوت در افراد مختلف می‌تواند نتایج بهتر و قابل قبول داشته باشد. اما آن چیزی که در این‌جا مدنظر است آن است که تمامی این اتفاق‌ها زمانی رخ می‌دهد که طراح، آن جامعه‌ای که می‌خواهد در آن‌جا طراحی کند را بشناسد و بر رفتارها و کردارهای مردم آن جامعه واقف باشد که مبتنی بر حالات و روحیات آن‌ها بهترین ابزار و روش‌ها را انتخاب کرده و به کار گیرد.

## پی‌نوشت:

- |                   |                          |
|-------------------|--------------------------|
| 1. Brett Steele   | 11. Fiona S. Crofton     |
| 2. Gourna         | 12. Robert Chambers      |
| 3. Paul D. Davids | 13. Yvette Selim         |
| 4. Black Road     | 14. Dave Davis           |
| 5. Hatch R        | 15. Susanne Hofmann      |
| 6. Wates N        | 16. Pre-Sensors          |
| 7. Knevit Ch      | 17. Kenneth Frampton     |
| 8. Ralph Erskine  | 18. Charles Correa       |
| 9. Towers G       | 19. David Robson         |
| 10. Sanoff H      | 20. Peter Blundell Jones |

## منابع

۱. نهج البلاغه، ترجمه استاد حسین انصاریان.
۲. فرهنگ فارسی عمید، چاپ ۱۳۹۳، تالیف حسن عمید، نشر موسسه انتشارات امیرکبیر.
۳. اسلامی، غلامرضا؛ کامل‌نیا، حامد (۱۳۹۳)، «معماری جمعی از نظریه تا عمل»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۴. اسلامی، سید غلامرضا؛ حناچی، پیروز؛ کامل‌نیا، حامد، (۱۳۸۸)، « رویکرد طراحی جمعی در معماری، تحلیل و بررسی تطبیقی معماری جمعی با معماری اجتماعی و معماری مشارکتی»، هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، شماره ۳۹، صفحه ۴۷-۶۰.
۵. طوسی، محمدعلی (۱۳۸۰)، «مشارکت در مدیریت و مالکیت»، سازمان مدیریت در برنامه‌ریزی کشور، تهران.
۶. عطایی همدانی، محمدرضا؛ شالی امینی، وحید؛ حمزه‌نژاد، مهدی؛ نوروز برازجانی، ویدا، (۱۳۹۶)، « مصالح‌گزینی بر اساس سازگاری بومی-شخصیتی (درس آموخته‌هایی از معماری بومی ایران)»، مدیریت شهری، شماره ۵۰، صفحه ۳۵۱-۳۷۹.
۷. علی‌الحسابی، مهران؛ یوسف زمانی، مهرداد، (۱۳۸۹)، «فرآیند طراحی معماری، تعامل میان طراح و بهره‌بردار»، هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، شماره ۴۳، صفحه ۳۱-۴۲.
۸. فتحی، حسن (۱۳۸۲)، ساختمان سازی با مردم، ترجمه: علی اشرفی (۱۳۸۲)، تهران، انتشارات دانشگاه هنر.
۹. قاسمی برمی، علی؛ صادقی لواسانی، نادر (۱۳۹۶)، «بررسی نقش روابط عمومی شهرداری تهران در افزایش مشارکت شهروندان، مورد مطالعه مناطق ۱۶ و ۱۷ شهرداری تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق.
۱۰. کامل‌نیا، حامد، (۱۳۹۲)، «چهارچوبی نوین برای تعامل معماری جمعی در طراحی مجموعه‌های مسکونی معاصر»، نقش جهان، سال سوم، شماره ۲، صفحه ۶۳-۷۳.
۱۱. کامل‌نیا، حامد؛ اسلامی، سید غلامرضا؛ حناچی، پیروز، (۱۳۸۹)، «تحلیل و ارزیابی معماری جمعی بر مبنای شاخصه‌های احساس جمعی»، هویت شهر، سال پنجم، شماره ۷، صفحه ۱۳۱-۱۴۰.
۱۲. لائوسون، برایان، (۱۹۸۰)، «طراحان چگونه می‌اندیشند»، ترجمه: حمید ندیمی (۱۳۸۴)، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۳. لنگ، جان (۱۹۳۸)، «آفرینش نظریه معماری نقش علوم رفتاری در طراحی محیط»، ترجمه: علیرضا عینی‌فر (۱۳۹۰)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
14. Dave Davis, Josh Meyer, Aatisha Singh, Molly Wright and Paul Zykofsky, (2013) **Participation Tools for Better Community Planning**. local government commission the california endowment.
15. Fiona S. Crofton, (2001) **Sustainable Community Planning and Development Participation Tools and Practices**. Canada, ORCAD Consulting Group Inc.
16. Hatch R., (1984) **The Scope of Social Architecture**. USA, VNR, Inc.
17. Susanne Hofmann, (2014) **Architecture is Participation**. DIE BAUPILOTEN` METHODS AND PROJECTS.
18. Sanoff H., (2000) **Community Participation Methods in Design and Planning**. New York, John Wiley & Sons, Inc.
19. Robert Chambers, (2013) **Participation for development: A good time to be alive**. Australian, International Conference Challenges for participatory development in contemporary development practice.
20. Towers G., (1995) **Building Democracy: Community Architecture in the Cities**. London, University College London Press.
21. Wates N., Knevit Ch., (1987) **Community Architecture: How people are creating own Environment**, UK, Penguin books Ltd.
22. Yvette Selim, (2013) **Opportunities and challenges of participation in transitional justice in Nepal**. Australian, International Conference Challenges for participatory development in contemporary development practice.

## پیوست: نمونه پرسشنامه

پاسخگوی محترم ضمن تشکر از همکاری شما و تاکید بر اینکه پاسخ‌های شما محرمانه تلقی خواهد شد، خواهشمند است به سوالات زیر به دقت پاسخ دهید.

محل سکونت شما استیجاری است یا در مالکیت شماست؟

استیجاری خود، مالک

در صورتی که مالک منزل خود هستید، آیا این مسکن را خودتان ساخته‌اید یا ساخته خریدار؟

خودم ساختم ساخته خریدار

در صورتی که ساخته خریدار، به چه میزان از کیفیت طراحی و ساخت آن رضایت دارید؟

خیلی زیاد زیاد متوسط کم خیلی کم

در صورتی که منزل را خودتان ساخته‌اید، میزان مشارکت شما در طراحی و ساخت آن به چه میزان بوده است؟

خیلی زیاد زیاد متوسط کم خیلی کم

آیا اساساً طراح ساختمان به هنگام طراحی، نقطه نظرات شما و خانواده را در طراحی آن دخالت داده است؟

خیلی زیاد زیاد متوسط کم خیلی کم

در حال حاضر به چه میزان از طراحی و ساخت محل سکونت خود رضایت دارید؟

خیلی زیاد زیاد متوسط کم خیلی کم

به نظر شما آیا ضرورتی دارد مالکین به هنگام طراحی و ساخت منزل در فرآیند آن با طراحان و مجریان همکاری نمایند؟

حتماً باید مشارکت نمایند تا حدودی مشارکت نمایند ضرورتی ندارد

در صورتی که پاسخ شما مثبت است، همکاری با طراحان و مجریان چگونه و به چه طریق باید باشد؟

قبل از طراحی، در حین طراحی و در حین اجرا فقط در طراحی و اجرا

آیا ضرورت دارد مالکین علاوه بر مشارکت در ابتدای روند طراحی، در کل فرآیند ساخت نیز مشارکت فعال داشته باشند؟

حتماً باید مشارکت نمایند تا حدودی مشارکت نمایند ضرورتی ندارد

در صورتی که نظرات مالکین با ضوابط شهرسازی و طراحی مغایرت داشته باشد، طراحان چگونه باید با این مشکل برخورد نمایند؟

از مشارکت انصراف دهند مالکین را نسبت به مقررات متوجه و در حد مقدور دخالت دهند

بی توجه به مقررات، فقط به نظر مالکین توجه کنند

به طور کلی نظر شما در مورد مشارکت استفاده‌کنندگان (مردم) در فرآیند طراحی مسکن چیست؟ و از چه طریقی می‌توانند در

این فرآیند مشارکت داشته باشند؟